



۴۴۸***۰۹۳۰: ایول به آدمک. کولاک کردیا!

آدمک: نه بابا! کولاک رو شما عزیزان کردین با بیامان!

۸۰۴***۰۹۱۵: آدمک یه دونه ای. خیلی مطالبات باحال و

طنز بود. واقعا خستگیمو در کرد!

آدمک: تازه ما شتر هم میدم!

۴۱۶***۰۹۱۱: آقا خیلی خوبه که اینقدر راحت حرف دل

مارو میزنیا!

آدمک: بابا ما و شما نداره که حرف دل هممون!

۵۸۸***۰۹۳۹: آخ آخ! گل گفتیا. دارم

انتقادات به روحانی رو میخونم.

آدمک: هیج! توهین میکنی؟ یه وقت حاج

آقا بدش میارا!

۸۸۶***۰۹۱۲: خودمونیم. مصاحبه ات واقعا خیالی بود

یا واقعی؟؟

آدمک: آقا ما میلیم خیالی، شما هم بلو خیالی ریلما

۸۲۷***۰۹۲۱: یه خداقوت به تیم باحال و پر از انرژی

آدمک. ادامه بدین ها.

آدمک: ازامه بدیم؟ چیه؟ خداقوت رو؟ تیم رو؟ باحالی مون

رو؟ انرژی مون رو؟ آدمک رو؟

۹۳۹***۰۹۱۵: آقا بهت گیر نمیدن؟ ما که جرئت نداریم

حرفامون رو راحت بگیم!

آدمک: گیر که نه بابا! توهینمون هم می کنن!

۷۵۶***۰۹۱۵: آقا ما میخوایم مطلب بدیم چیکار کنیم؟

آدمک: صفحه قبلو خوندرک عزیزم؟

۳۸۱***۰۹۱۵: من نمی دونستم همچین نشریه ای هست!

خوب شد که خوندمش. خوشم اومد.

آدمک: ندانستن عیب نیست، نرسیدن عیب است

عزیز من!

۸۴۵***۰۹۳۳: واقعا خوب شد گفتی. این سروصدای ساخت

و ساز دانشکده پرستاری اعصاب ما و استادارو بهم ریخته بود.

آدمک: اعصاب ما رو هم بهم ریخته بود، ولی نتیجه ش خوب شد!

۴۴۸***۰۹۳۸: با این مسئولین باید همینجوری حرف زد!

ایول.

آدمک: هیج هیج هورا!

۲۵۵***۰۹۱۵: حالا اینقدر خودتونو اذیت

میکنین، تاثیری هم داره؟

آدمک: اوه چه جورم. خط به خط نشریه رو میخونم

همشون!

۹۳۳***۰۹۳۳: واقعا این روحانی و

تیمش انتقادشون رو دوس ندارن، اما کو

گوش شنوا؟

آدمک: به قول حاج آقا، توهین می کنی؟؟؟

۲۳۳***۰۹۳۵: من از زیر خط فهم خیلی خوشم اومد.

واقعیت بود همش.

آدمک: نلوووو! میخوای بهت بلن بج سوار؟ میلن افترا بوده نه

واقعیت تو هم همینو بلو و لرنه...

۴۴۵***۰۹۱۵: آقا چرا اینقدر دیر نشریه می زنین؟ شب یلدا

الانه خب؟

آدمک: الان که نه خداییش، نیست! ولی خب تا نشریه چاپ

شود، دل صابش.....

۵۵۵***۰۹۳۵: آقا خداقوت واقعا. خیلی خوب کار کردین.

بازم ادامه بدین.

آدمک: ریلما ما اینیم! چیزی جز خوبی ازمون برنمیارا!



SMS: 50002060008



نشریه طنز فرهنگی اجتماعی، صنفی سیاسی آدمک
شماره پنجم / اسفند ماه یک هزار و سیصد و نود و چهار
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه
علوم پزشکی مشهد
مدیر مسئول: حبیب قادری
سر دبیر: الهه نوبخت
هیات تحریریه: محمد بهروزی نسب / منیژه رضوان / ریحانه زنگی /
حبیب قادری / ...
گرافیک و صفحه آرایی: محمد رضا پارسایی فر
(mrparsaeefar@gmail.com)
شماره مجوز: ۴۵۰/ک ر ش مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۸



دوستی یعنی گره از کار
دوستی باز کردن!!!!!!

فهرست:

باج و ازدواج

صفحه ۳.....

زیر خط فهم

صفحه ۴.....

پیچ مشکلات دانشجویی

صفحه ۵.....

مصاحبه خیالی با دکتر اسماعیلی

صفحه ۵.....

طالع بینی دانشجویی

صفحه ۶.....

یه روز خوب

صفحه ۷.....

کاش نمی گفتم اعتدال!

صفحه ۸.....

مطالب پیشنهادی:



شماره پنجم، اسفند ماه یک هزار و سیصد و نود و چهار
نشریه طنز فرهنگی اجتماعی صنفی سیاسی
آدمک، تنها نشریه طنز فعال در
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

آدمک adamak

آدمک آخر دنیا است بخند

دست خالی که تو را عاشق کرد

آدمک خرد نشوی گریه کنی

کل دنیا یه سراب است بخند

آن خدایی که بزرگش خواندی

بخدا مثل تو تنهاست بخند



سال نو مبارک

خدایا! از کرده ی خود پشیمانم! این ترم که نشد! ولی تو

در امتحان دنیا پاسم کن و مرا به بهشت ببر! قول می دهم ترم

بعد بنده ی خوبی برایت باشم! خدایا! می ترسم در این امتحان

مردود شوم! آیا ترم بعد هم درس زندگی را ارائه می دهی؟

خدایا! سؤالی دارم! چرا بهشت را هم نیاز با دنیا به ما نمی دهی؟

خدایا! بازار کار دنیا که حسابی کساد شده است.

در جهنم و بهشت به یک کارگر ساده نیمه ماهر

نیاز نداری؟ خدایا! سابقه ی کار ندارم. لیکن به

تو امید دارم. مرا دربرزخت به کاری مشغول

کن! در نهایت، خدایا آن ده که آن به!



به همکاری

ستاد استعدادیابی آدمک

نشریه آدمک از تمامی نویسندگان، طنز پردازان و کاریکاتوریست های علاقه مند دعوت به همکاری می نماید.

کافیست آدمکی شوید

نمونه آثار خودتون رو برای ما ارسال کنید:

Email: adamakmums@gmail.com

SMS: 5000206000008



به نظر شما منظور امام راحل چه بوده است؟

کافیست گزینه درست را به
۵۰۰۰۲۰۶۰۰۰۰۰۰۸ ارسال کنید.

لازم به ذکر است طی قرعه کشی از پاسخ های درست، هدیه ای نیز اعطا می شود.

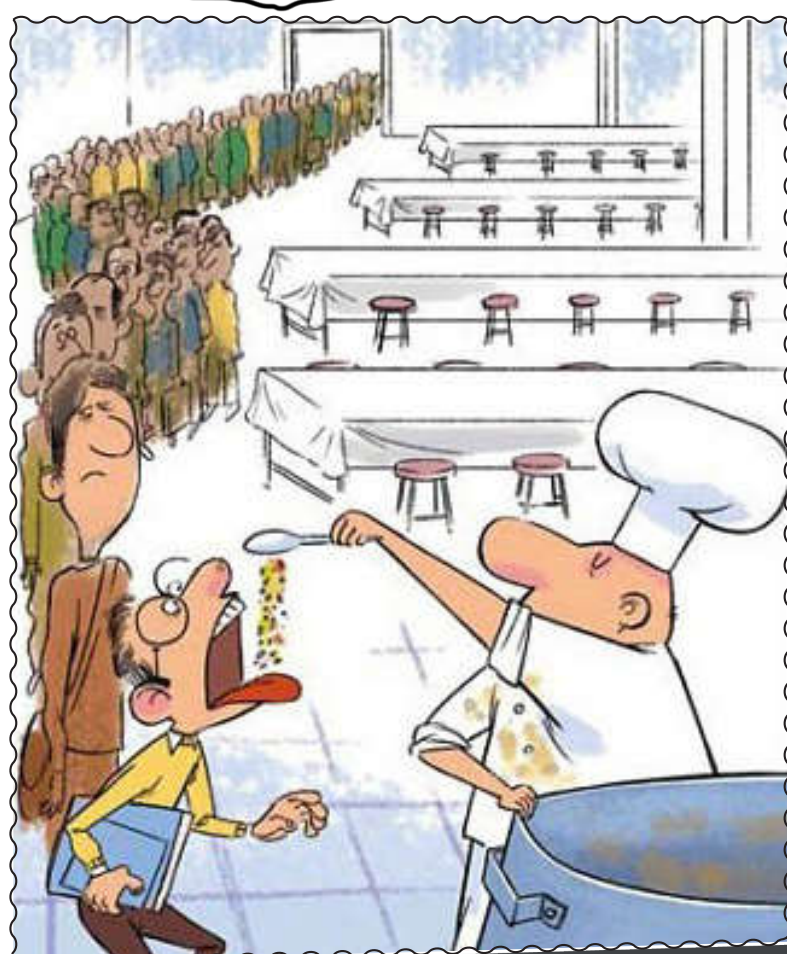


آیا می توان با غذای سلف زنده ماند؟

(۷۵۷۵) خیر

(۸۵۸۵) به هیچ وجه

با ارسال گزینه مورد نظر به ۵۰۰۰۲۰۶۰۰۰۰۰۰۸ در مسابقه آدمک شرکت کنید.



البته من روی طنز، قدری تردید میکنم؛ چون بعضی واقعاً طنز است، بعضی طنز نیست و فقط فکاهی است. **فکاهی با طنز فرق دارد.** بعضی واقعاً آن ظرفیت طنز را ندارد و فقط فکاهی است. بعضی هم واقعاً طنز است و در بطن خود یک معنای جدی خوبی دارد؛ کمالین که گاهی این محاوره ها نقش خیلی مهمی ایفا میکنند.



حمایت هاشون حساسی خستگی بر تن ما افزودند! نه بابا تعجب نکنید. اون عزیزان دانشجو نبودن که! آره بابا. مسئول بودن...!

نمیخواهم کاراشونو شرح بدم که شاید اگه این کارو بکنم نظرای خیلی بدی بهشون پیدا کنین. فقط همینقدر بدونین نشریه و مطالبی که درددل ها و حرف های شماهارو شجاعانه میزنه، از جلوگیری انتشار تا حکم محرومیت و تا شکایت خصوصی رو داره به جون میخره و بازم کوتاه نمی یاد و حرفش رو که حرف همه توقع هست.

بخشید که بجای طنز، تلخند شد. آدمک همچنان حامی شعار از دانشجو برای دانشجو هست. راستی به جدیدالورودهای بهمنی هم تبریک می گیم. و در پایان:

ما زنده برآینم که آرام نگیریم / موجیم که آسودگی ما عدم ماست.

پیگیرمون باشین.

یا علی



بازگشت به دهه ۷۰

آدمک فمینیست!

۱- چرا خدا مردها را آفرید؟

۱. هدف خاصی نبود
۲. گل اضافه مونده بود
۳. نسخه آزمایشی بود
۴. اصلاً کار خدا نبود

۲- چرا خدا مردها را از روی زمین برنمی دارد؟...

۱. از نظر خدا مردها وجود خارجی ندارند
۲. مگه ما روی زمین مرد هم داریم
۳. وجود اینگونه از درندگان برای موازنه جمعیت روی زمین ضروری به نظر میرسد
۴. حالا چه عجله ایه؟

۳- اگه خدا مردها را نمی آفرید چی می آفرید؟

۱. چیز خاصی نمی آفرید
۲. پیراشکی
۳. خروس دریایی
۴. فضای خالی

۴- اگر جمعیت مردها منقرض شود چه می شود؟

۱. مگه قراره اتفاقی بیافته
۲. خارشتر کویر لوت که اُفت نداره
۳. اکوسیستم به شرایط بدون انگل برمی گردد
۴. یه هیولا کمتر دنیا قشنگتر

۵- چه وقت مردها عاشق می شوند؟

۱. چه وقت مردها عاشق نمی شوند!
۲. هر وقت مامانشون بگه
۳. چون یکدفعه می شوند خودشان هم نمی دانند که کی می شوند

۴. یک روز از همین روزا!

۶- مردها چه وقت عشق قبلی خود را فراموش می کنند؟

۱. در همون وقتی که عشق جدید خود را کشف می کنند
۲. جدید و قدیم نداره فقط بازیگر نقش زن عوض میشه. (قانون)

نشریه به یک دانشگاه!

حبیب قادری - دانشجوی پرستاری

جهت تهیه نشریه لازم است تیمی را جهت نویسندگی و امور اجرایی نشریه از دانشجویان بیابید! سپس درخواستی مبنی بر مجوز به مدیریت فرهنگی دانشگاه ارائه دهید. پس از گذشت مدتها (که قانوناً باید ۲۰ روز باشد) خبر موافقت دانشگاه را شنیده، از خود بی خود شده و از زمین به هوا می پرید. اما دست نگه دارید! هنوز اول راه است. پس از کلی کش و قوس و پیگیری از دوستانتان که اعلام آمادگی همکاری در نشریه کرده اند مطالبی را نصفه و نیمه دریافت کنید. سپس باید طراحی بیابید. (البته امکان دارد دانشگاهتان پیشنهاد دهد از طراح های داخل دانشگاه استفاده کنید؛ که در اینصورت باید جهت طراحی ای که ۳ روز طول می کشد، چندین و چند روز معطل باشید تازه امکان اینکه آنطور که دلتان می خواهد نباشد وجود دارد) طراح بیرون از دانشگاه که هزینه ی عرف خودش را صفحه ای ۱۰ تومن در نظر می گیرد، ولی دانشگاهتان به شما فقط صفحه ای ۷ تومن (البته پس از کسر مالیات) پرداخت می کند. باید هزینه ی طراحی



۴ نیوتن)

۳. بستگی تام و تمام به میزان تستسترون دارد.

۴. رابطه مستقیم با نظر مادر بزرگ کودک فهیم دارد.

۷- مردها معمولاً هر چند مدت یکبار عاشق می شوند؟

۱. هر شب
۲. هر وقت که خدا بخواد
۳. هر وقت تستسترون بگه
۴. سیکل خاصی ندارند

۸- مردها وقتی تصمیم به ازدواج می گیرند چه کار می کنن؟

۱. اون موقع نمی تونن کار خاصی

بکنن!

۲. تمام تلاششون رو می کنن که بتونن یک کاری بکنن!

۳. به مامانشون می گن که یک کاری بکنه چون دیگه وقتشه که اونا رسماً خیلی کارا بکنن!

۴. می رن کلاس آمادگی جسمانی!!

۹- وقتی مردها تصمیم می گیرن ازدواج کنن چی می کنن؟

۱. چیزی نمی گن چون وقت عمله
۲. وقت نمی کنن چیزی بگن
۳. اولش چیزی برا گفتن ندارن ولی بعد که خرسون از پل گذشت نطقشون باز میشه
۴. در این برهه از تاریخ طبیعی هیچ کس نمی فهمه که اونا چی می گن

۱۰- مردها چطور زن زندگی شون رو می گیرن؟

۱. با دست
۲. با تور
۳. با چنگول
۴. با زبون

۱۱- معیار مردها برای انتخاب همسر چیه؟

۱. هر که پیش آمد خوش آمد
۲. به روش جستجوی ترتیبی در لیست سیاه
۳. ده بیست سی چهل
۴. به قول مادر بزرگ پسر، دختر مثل پارچه می مونه هر روز مدل بهترش میاد، وامیستن بهترش بیاد

چند بار گفتید واقعاً، واقعاً!!

خیلی به مردها خندیدید!

پس نتیجه اینکه :

خدا مردها را آفرید که گاهی خانها را بخندانند و اغلب اوقات آنها را حرص بدهند!

شما جدی نگیر جهت مزاح گفتن...

را ابتدا خودتان به طراح بدهید و پس از طراحی نشریه و گرفتن فاکتور، فاکتور را به مدیریت فرهنگی دانشگاه بدهید و پس از حدود ۲۰ روز پس از چاپ نشریه (در حالت ایده آل) هزینه اش را دریافت کنید. خب! حالا فایل طراحی یک نشریه دست شماست که باید آن را به مدیریت فرهنگی دانشگاهتان تحویل دهید و در صورتی که همه چی وفق مراد باشد، پس از ۲ روز کاری نشریه از چاپخانه به دانشگاه برسد. تازه مدیریت فرهنگی به بهانه اینکه ببیند آیا این نشریه های چاپ شده (ای که خودش فایلیش را به چاپخانه داده است) مطابق فایل ارسالی هستند یا خیر، مدتی شما و توزیع نشریه تان را معطل می کند (البته بازهم خلاف قانون!) پس از آن که از این چند خان دانشگاه گذشتید اجازه دارید نشریه تان را در صندلی های داخل حیاط دانشکده تان توزیع کنید. تازه به قول رئیس این سیستم نشریات، هدفشان جنبش و آزادی دانشجویان در عرصه نشریات می باشد!! حالا بفرمایید نشریه بزنید.....!!!



بازگشت به دهه ۷۰

منیره رضوان - دانشجوی پزشکی

کشور هم نتیجه مشابهی خواهد داشت.

اختصاص سرویسهای بهداشتی دانشگاه به یکی از معضلات کشور رکود جمعیتی یا در اصطلاح دانشجویان متاهل و در معذورت گذاشتن اکوسیستمی آن توقف تولید مثل است. شك نداریم دانشجویان مجرد.

که یکی از بهترین راهکارهای بالا بردن نرخ زاد و تعیین ضرب العجل ازدواج برای دانشجویان مطلقه ولد بالا بردن آمار ازدواج در کشور است و صد البته به گونه ای که در صورت عدم ازدواج در مدت مقرر واضح است که مهم ترین قشري که در لبه پرتگاه حکم طلاق خودبخود باطل و فرد خاطی مجبور به سن ازدواج قرار دارند دانشجویان هستند؛ به گونه زندگی مادام العمر با همسر قبلی و موظف به پاس ای که اگر شما يك هولشان بدهید به راحتی در تله کردن مجدد دروس ترم قبلی پاس شده خود خواهد ازدواج خواهند افتاد لذا در این روایت راهکارهای شد.

افزایش شمار ازدواج دانشجویی ارایه میگردد.

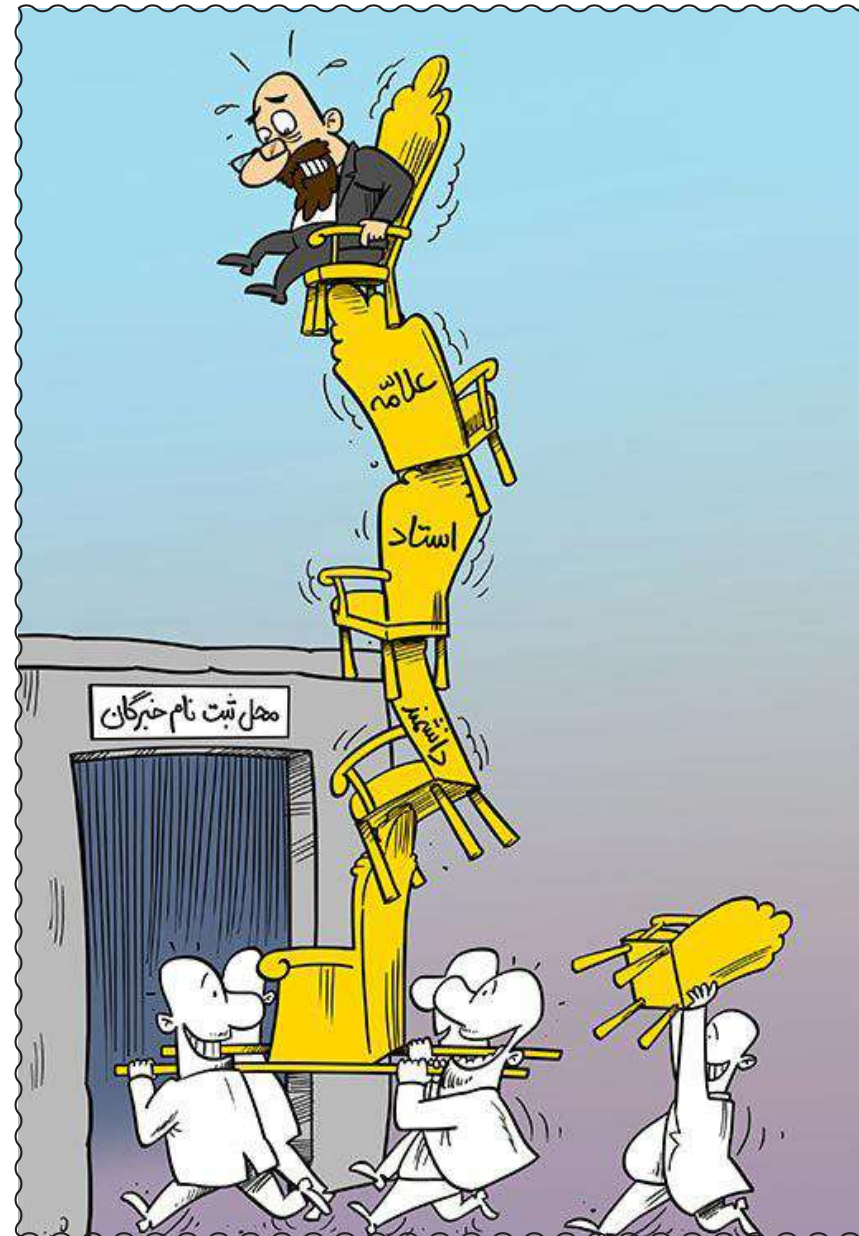
پایین آوردن شمار کتابهای چاپ شده دانشگاهی و ارفاق نمره به دانشجویان متاهل با ارایه دلایل واهی بالا رفتن درخواست جزوه و باقی ماجرا! البته چون یا بدون ارایه دلایل واهی!

به کرات دیده شده که دانشجویان پس از ازدواج دو برابر شدن جریمه ی عدم دریافت غذا در سلف اقدام به بچه دار شدن نمیکندند ارایه شناسنامه برای دانشجویان مجرد. البته راهکار جریمه نشدن کودک حداکثر بعد از ۹ ماه از تاریخ ازدواج جهت افراد متاهلی که غذای خود را دریافت نمیکندند هم ادامه تحصیل ضروری ست!

توقف سریع واردات کافور به کشور. در همین زمینه دانشگاه علوم پزشکی نیست این راهکار منتفی ست

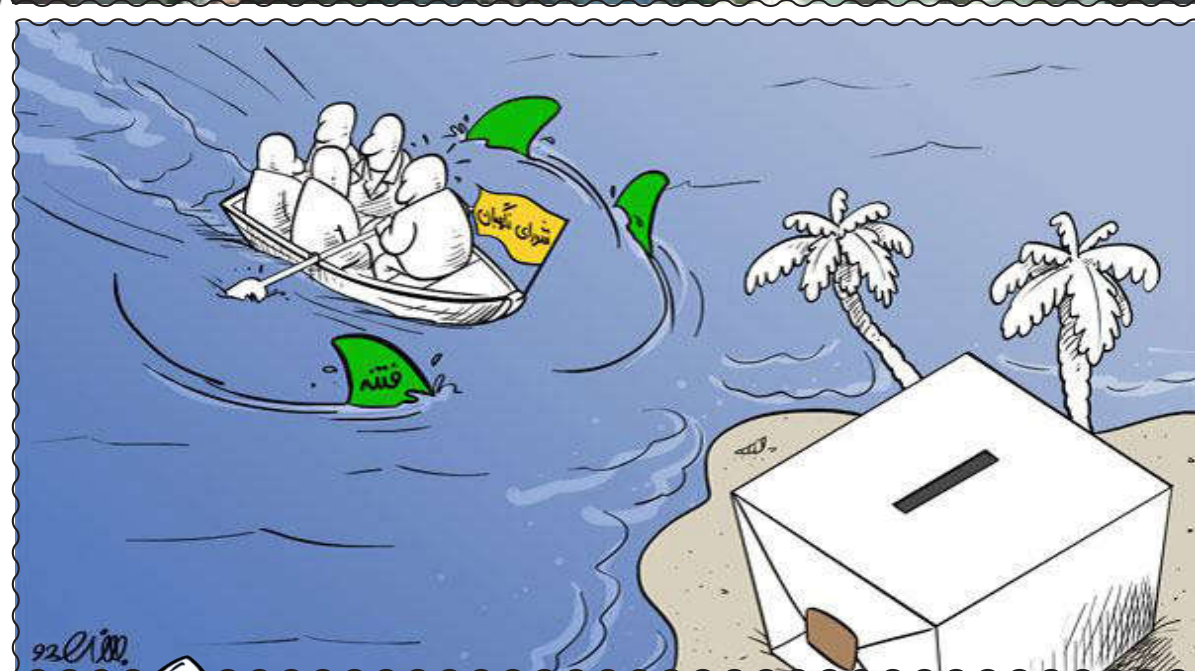
صادرات کافورهای وارد و انبار شده در دانشگاههای و همان جریمه دو برابر، هم به نفع دانشگاه و هم

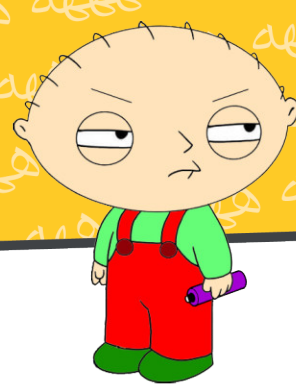
قبل نه به نامه نشریه ها



خود دانشجویست!

در انتها از راهکارهای ابتکاری که دانشجویان جهت بالا بردن آمار ازدواج دانشجویی ارایه میدهند استقبال خواهد شد و به طرح ابتکاری برتر جایزه ارزنده ای که شامل وام ازدواج است تعلق خواهد گرفت که البته پس از تولد فرزند پنجم طراح این هدیه به وی اعطا خواهد شد!





۵- شنیده شده مدیریت به

اصطلاح فرهنگی دانشگاه،

در ادامه ی فعالیت های

غیرفرهنگی خود، در برگزاری

اردوی راهیان نور دانشجویان

دانشگاه، کارشکنی های فراوانی

کرده است. از جمله: جلوگیری از تبلیغ

مفید از لحاظ زمانی به بهانه ی عدم تصویب

برنامه ای مدون و سالانه در شورای خودشون!

که موجب عدم ثبت نام عده ای از دانشجویان شد،

کاهش کمک هزینه به این سفر برخلاف سال های

پیش که موجب تغییر وسیله رفت و آمد برادران از قطار

به اتوبوس و انصراف عده زیادی از دانشجویان شد (تازه

خوبه تو تبلیغاتشون زده بودن با قطار میبرن و میارن) و

کارهای اینچنینی. ضمن عرض خدقوت به این مدیریت

به اصطلاح فرهنگی جهت سعی و تلاش مضاعف در

جهت حفظ ارزش های انقلاب و جنگ تحمیلی و آشنا

کردن دانشجویان با این معارف. در این جهت از طرف ما

آدمکی های زیرخط فهم پیشنهادی برای این مسئولین

داریم: اینکه بجای شیشلیک خوردن در رستوران عنبران

شاندیز و سفر به عناوین مختلف مسئولین و تئاترچی ها

به تهران، آن هم با هواپیما و در اختیار گذاشتن خودروی

شخصی همراه با راننده برای برخی مدیران از پول

دانشگاه یا برفرض اسپانسر، کمی از آن پول ها را خرج

کار واقعا فرهنگی بکنند یا به وظیفه خودشان سال به

سال عمل کنند نه که هر سال بگویند باید دوباره تصویب

شود. بهرحال امیدواریم هرچه زودتر ما را از زیرخط فهم

در بیاورند.

۶- در اینکه مسئولین دوست ندارند نقد شوند شکی

نیست اما کار وقتی خنده دار می شود که چپ و راست

بگویند ما نقدپذیر و حامی آزادی بیان هستیم! مگه

داریم؟ مگه میشه؟ خبرها حاکی از آن است مدیر فرهنگی

دانشگاه در اقدامی غیرقانونی جلوی انتشار شماره قبلی

نشریه آدمک را گرفته است، آن هم به بهانه نامه ای از

بالادستی خود مبنی برچاپ توهین در نشریه! یا مسئولین

خیلی توهین یاب شدند یا ما چشممان کور شده! و پس

از آن ضرب الاجلی اقدام به توبیخ و حکم محرومیت و

شکایت خصوصی و کمیته انضباطی و اینها کشاندند

نویسندگان نشریه را، بلکه اندکی ساکتشان کنند، هرچند

بعدازآن شورای فرهنگی حکم شان را تعلیق کرد؛ ولی این

نقطه ی سیاه مقابله تدشان با نقدکنندگان همچنان در

ذهن دانشجویان خواهد ماند. آقا چی کار دارینشون خب؟

بین چقدر آروم و خوب نشستن به گوشه. چرا نقدشون

می کنسن خب؟ آبتون کمه، نوتتون کمه؟ شاید میخوان

آسته بری آسته بیای که گربه شاخت زننه! بهرحال نه

تنها ما آدمکی ها از اهدافمون دست برنمی داریم، بلکه

این اقدامات تند و غیرقانونی را هم زیرخط فهم می دانیم.

باشد که عبرت گیرند!

۷- خدمتی نوین از سیستم آموزشی دانشگاه! انتخاب

واحد برای ترم آینده قبل از اعلام نمرات ترم جاری! در

همین راستا شاهد خواهیم بود اعطای مدرک پایان دوره

تحصیلی قبل از گذراندن دوره آموزشی! عزیزان مسئول

خط فهم

نرمه فهم

آدمک انضباطی

۱- خبرها حاکی از آن است که در یکی از بیمارستان های دانشگاه که

عنوان مرکز آموزشی پژوهشی و درمانی را نیز دارد، دانشجویان پرستاری

که بصورت لانگ در بخش خدمت می کنند از نیاز فیزیولوژیک ناهار

محروم می باشند. حتی مورد داشتیم دانشجو رفته مدیریت خدمات

پرستاری بیمارستان و جواب رد شنیده. از همینجا اعلام می کنیم

ایول به همکاری و همدردی این مسئولین عزیز. البته شاید خواسته اند

دانشجویان را با مکانیسم های فتوسنتز هوازی آشناتر کنند تا پروسه

ی آوزششان تکمیل تر شود! بهرحال اینکه یک مرکز آموزشی برای

دانشجویان دوشیفت خودش، دستمزد که هیچ حتی ناهار هم در نظر

نمی گیرد زیر خط فهم ما آدمکی هاست.

۲- بقایای دریچه ارومیه در دانشکده بهداشت یافت شد! جهت بازدید

از این اثر تاریخی ملی لطفا به دانشکده مذکور، روبروی تالار رازی مراجعه

کنید. گویا مسئولین عزیز متوجه چاله ی آبی که مورد اشاره ماست نشده

اند. از همینجا ما آدمکی ها دست به دعا برداشته و امیدواریم چاله ی

فوق به زودی زود پر شود. پر از چی؟ نمی دانیم!

۳- فروش قهوه در طبقه دوم ساختمان آموزشی دانشکده پزشکی

هم خبر حاشیه ساز دیگر ماست. مسئولین محترم دانشکده پزشکی بابا

دمتون گرم. چقدر به فکر دانشجویهاین شما. فقط به چیزی ما میخوانیم

شیرقهوه بخوریم میشه به شیر فروشی هم کنارش بزارین؟ چقدرم که

شیر قهوه خوشمزه ست! راستی شیرقهوه رو هم که نمیشه خالی خورد.

اگه به کیک پزی یا کیک فروشی هم بزارین اونجا که دیگه خیلی خوب

میشه. آخ آخ بعد به شیر قهوه حسابی با کیک تازه اگه گفتین چی

میچسبه؟ به خواب مَشت. اگه بتونین به جایی هم واسه خواب جفت و

جور کنین دیگه حرف نداره. خدا زیاد کنه این الطاف رو واقعا. ولی خب

یه سر برین دانشکده پرستاری ببینین مدیریت رو. عزیز من. محیط

آموزشی از محیط رفاهی جداست ها. از ما گفتن بود! این که تفاوت

محیط آموزشی و رفاهی برای برخی عزیزان معلوم نیست زیر خط فهم

ما آدمکی هاست.

۴- به تشکر و دست مریزاد ویژه به مسئولین دانشگاه که روز پرستار

اومد و رفت. نه یک پوستر صرفا واسه تبریک روی بنر سایت دیدیم. نه

یه مراسم واسه دانشجویهای پرستاری، نه هیچ چی واسه دانشجویهای

این رشته. شاید این عزیزان منتظر این بودند که خود دانشجویها

تبریک بگن بهشون و واسشون جشن بگیرن و تبریک بزارن رو سایت

دانشگاه! تقسیم وظایف خوبیه ها. این که چرا مسئولین به این تابلویی

دانشجوهای پرستاری رو نادیده می گیرند زیر خط فهم ما آدمکی

هاست.

هاتن های باهوش

دلهم شور میزد، دستانم ناخودآگاه می لرزید،

نمی دانستم وقتی می بینمش باید چه کار

کنم! نمی توانستم آن قیافه ی همیشه درهم

و خشمگینش را در این شرایط تصور کنم.

هرچه نزدیکتر می شدم اضطرابم بیشتر می

شد. از میان جمعیت راهی باز کردم و نزدیک

شدم. با چهره ای معصوم روبرویش ایستادم.

اندکی مکث کردم و با صدایی گرفته تقاضا

کردم نمره ی ۹/۵ مرا ۱۰ بدهد. استاد نامم

را پرسید و رفت. فردای آن روز به سایت

دانشگاه مراجعه کردم و ناگهان چشمانم از

خوشحالی خیس شد. باورکردنی نبود. نمره

ام بیست شده بود.

.

. الکی مثلا من دخترم! :(((

دانشگاه علوم پزشکی مریخ

مکانی امن با تالارهای لوکس و پذیرایی مناسب برای سخنرانی

انواع و اقسام زندانی و خائن به کشور!

دیروز یک زندانی امنیتی(م.م)

امروز یک زندانی اقتصادی (غ.ک)

خیانت و زندان با شما، دعوت به سخنرانی با ما!

جمعیت دانشجویان و اساتید بازیچه ی دست احزاب

تبلیغات

زمان تبلیغات: ۲۷بهمن۹۴



چگونه از افشاس کردن شـبـه

آدمک کلاغ پرور!

پس از دستگیری و محاکمه ی چند متهم اقتصادی گردن کلفت و حتی اعدام بعضی از آن

ها! عده ای اختلاس گر طفلکی حسابی ترسیده اند و فویبای محاکمه گرفته اند!! حال برای

اینکه این عزیزان با این ترس کنار بیایند چند راهکار پیشنهاد می دهیم:

۱- نگاهتان به درون کشور باشد:

هنگامی که مسئولیت داشتید که دائما نگاهتان به بیرون کشور بود، لااقل در این یک مورد

کشور خودمان را نگاه کنید. مثلاً چندی پیش مردم ژاپن برای یک اختلاس یک میلیون

دلاری ناقابل تحصن کردند. خب این مردم اختلاس ندیده اند و بی جنبه. وقتی شما این

کشورها را ببینید بیشتر استرس می گیرید. ولی ببینید در کشور خودمان هنوز کلی مختلس

هست که کند کارشان درنیامده و دارند به جامعه خدمت می کنند! پس ناامید نباشید.....

آفرین..... نفس عمیق بکشید.....

۲- خودتان را مختلس ندانید:

به لحاظ علم روانشناسی هم وقتی انسان یک چیزی را به خودش تلقین کند، ممکن است

واقعا به آن دچار شود!! پس خودتان را دزد ببخشید مختلس ندانید. بلکه فکر کنید به پولی

احتیاج داشتید و قرض گرفتید، سرفرصت هم پس می دهید.قرض گرفتن که جرم نیست!

۳- همیشه بالادستی خود را ببینید نه پایین دستی:

ببینید آنهایی که کند کارشان درآمده، رقم اختلاسلشان چقدر صفر داشتهو اینطوری میفهمید

که حالا حالا ها کند کارتان در نمی آید و هنوز جا برای اختلاس دارید. دیگر چند هزار میلیارد

تومان که این حرفها را ندارد بابا... بیخودی شلوغش کردید ها!

اگر هنوز هم فوبیا دارید شما را به اکبر جوجه ارجاع می دهیم. باشد که شاگرد خوبی باشید.



نیازمندی ها

به چند مسئول بااخلاق جهت پست های حساس دانشگاهی

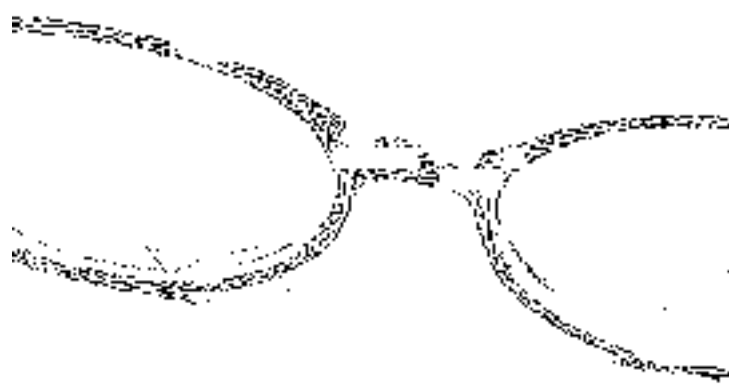
نیازمندیم.

حسابدار فوری نیازمندیم. حافظ اسرار، مسلط به ارقام

نجومی. شماره بدهید تماس می گیریم.

تهیه و نصب زیر ساخت، مناسب برای انواع روبنا. بنیاد

تئوری پردازی حرف اندیشان معاصر



نوازنده روان پریش جهت تحول در موسیقی سنتی نیازمندیم.

به چند اسپانسر جهت برگزاری یکسری مراسم شو لباس

و هالووین جهت خالی شدن عقده های برخی از دانشجویان

نیازمندیم.

به یک نفر با مدرک دکترای تخصصی هویج شناسی بالینی

برای کار در آبمیوه فروشی (حاج ممد و رفقا بجز هوشنگ)

نیازمندیم.

به پول احزاب سیاسی جهت اجرای برنامه های تشکل ها

و نشریات دانشجویی نیازمندیم.



کاش نهی گفنی نهی!

آدمک رفته به جهنم

هنوز ۱۰۰ روز نرسیده و ماها بلد نیستیم روزا رو بشماریم؟؟ خب آخه دفاع از مردمتم که قربونش برم در حد تیم ملیه. میری سازمان ملل میگی ملت ایران سال ۹۲ به صلح و آرامش رای دادن. ینی چندین سال قبل که میگفتی راستگوترین و پاک ترین دولت رو خداییش حاج حسن شما نبودی داده بودن؟؟ بابا لااقل هوای اقتصادی میاری و چه و چه میکنی؟ خداییش اصل کاربای نظام و پایه های نگفتی میخوای هم چرخ سانتریفیوژ بچرخه هم حکومتمونم که نداری!! آخه چرخ زندگی مردم؟ جالان من الان دقیقا چرخ باید دقیقاً تو ایتالیا میستی و از کدوم سانتریفیوژ میچرخه و چرخ زندگی کدوم شورای نگهبان کشورت گلایه مردم میچرخه؟ هوايما بهت تحمیل کردن بجای میکردی؟ خداییش این شد پول میاری تو مملکت که چرخ زندگی مردمت ریاست جمهوری کردن بر یک بچرخه؟ دم به دقیقه حرف خودت و معاونات و کشور که چندین و چند ساله وزیرات عوض میشه که بگی راستگوترین دولت که رو پای خودش و با چنگ و یعنی این؟؟! ۹ برابر اون صد روزت گذشت و دندون نشون داده که هیچی از مردم هیچ رونقی به خودشون ندیدن که بگی بدست مباره؟؟ آخه من به شما چی بگم؟ مردم رئیس جمهور



دلشون به یه چیزی خوش باشه. هرچند خودت میدونستی اگه همون شعار چندسال پیش دوستات رو میدادی شاید هیچکی بهت رای نمی داد، واسه همین اعتدال رو طعمه کردی! امیدوارم تو باقی مونده عمر دولنت به خودی نشون بدی که مردم یخورده واسه ۴ سال بدت بهت امیدوار شن!

مس با مس

عملیات والبرجام ۵

دعوا سر سربند یا فاطمه بود ظاهراً



مهاجره ای ففلی با مسئولی

فرفس در دانشگاه ففلی

آدمک ششاستامه دار

این قسمت: گپ و گفتی خودمانی با دکتر اسماعیلی، معاون دانشگاه بوووووق!

توضیح اینکه: آقای دکتر اسماعیلی معاون دانشگاه بوق! از مدیران توانمندی هستند که در زمان مسئولیت قادر به تولید نارضایتی حداکثری میان مخاطبین آن مسئولیت هستند.

- آقای دکتر ضمن سلام، لطفاً بفرمایید مهم ترین برنامه های شما در دوران مسئولیتتان تا امروز چه بوده است؟

- سلام. من خیلی خوشحالم که شما با من مصاحبه می کنید و به من توجه دارید، اصلاً از علائق من همین است که ازم تشکر بشه، شما چرا کم تشکر می کنید؟

- دکتر جان بی خیال! سؤال فراموش نشه.

- بله، ما برای ارتقای برخی از شاخص های مهم فرهنگ ملی تلاش کردیم، خیلی!

- مثلاً؟

- مثلاً عاشورا و فرهنگ عاشورا. ما اومدیم به عده ای که بی سواد بودن و بی خود شلوغش می کردن رو محدود کردیم تا تشنج آفرینی نکنن، به جاش از نمایندگان فرهنگ اصیل عاشورا حمایت کردیم تمام قد! این نماینده ها اومدن به مسائل عمیقی مثل صف نذری و سطل شله و... پرداختن.

- اون بی سوادا چی کار میکردن؟

- هیچی، مهم نیست، همش دنبال گریه و کارهای قدیمی بودن و لشون کن.

- خب، مثال دیگه ای هم دارید؟

- حتماً! یک مسئله جدی فرهنگی، آرمان های انقلاب اسلامی بود که ما اومدیم کسانی رو که مدام از این آرمان ها حرف می زدن تعطیلشون کردیم تا از مرحله حرف به عرصه عمل برسیم.

- تعطیل کردن!!؟ مگه میشه آدم تعطیل بشه؟!

- بله که میشه، ما کردیم و شد! اگه بازم پیری وسط حرفم تعطیلتم می کنم ببینی! خلاصه به جای این عده که حرف می زدن خودمون دست به کار شدیم، دیگه نه گذاشتیم

پی مشکلات دانشگاهی

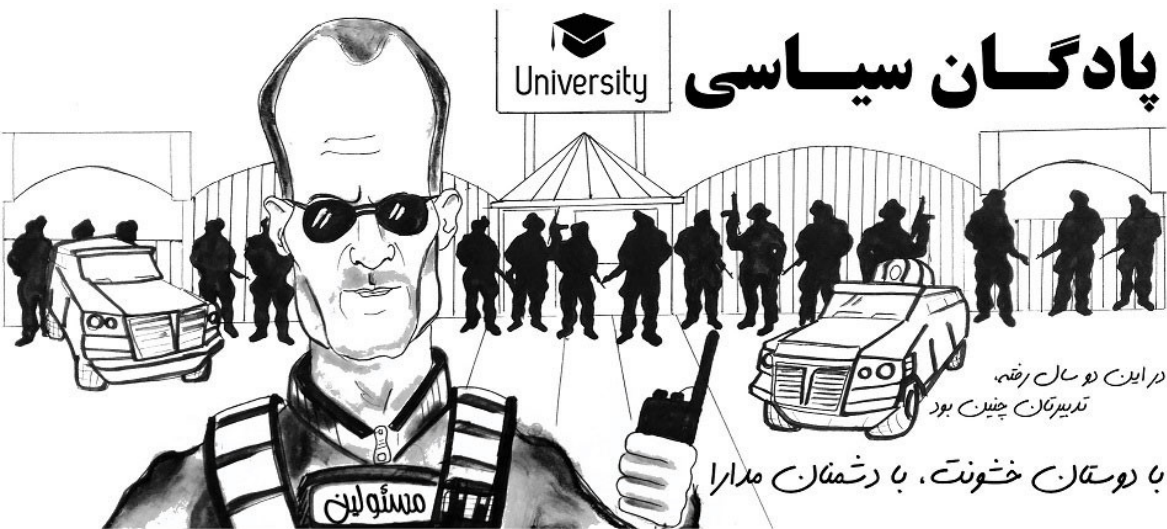
آدمک فیسبوکچیان!



آدمک SMS: ۵۰۰۰۲۰۶۰۰۰۰۰۰

قول! قول!

- بله! می گفتم، به جای این بی اخلاقا ما به گروهی به نام چاکران آستان درست کردیم که به جای کم کاری اون بی اخلاقا مرتباً ابراز ارادت کنن به ما. اصلاً چنین ارادتی در واقع ارادت به اخلاقه که خب من نمادشم!



پادگان سیاسی



- پس شما برای منتقدین حق قائل نیستید؟

- معلومه که نیستم. اخلاق خودش به چیز فرهنگی، هر کی چاکر آستان ما که نماد اخلاقیم باشه باید حمایت بشه و منتقدین ضد فرهنگ محسوب میشن.

- دکتر جان! شما درباره چند صدایی و خالی شدن کمیته انضباطی و اجرای قانون زیاد حرف زدید. آیا دروغ کار غیر اخلاقی هست یا نه؟

- بستگی داره به جاش. کارشناسی مثل من برای همین خوبه دیگه، در صحنه حاضر باشم و طبق معیار، بگم خوبه یا نه.

- صحبت پایانی ندارید؟

- آفرین! سعی کنید بازم با ما مصاحبه کنید و از ما تعریف کنید. فعلاً میگم به پول تپل بهتون بدن که سی صفحه رنگی گلاس به چاپ کنید با عکس بزرگ ما. اگه بازم بچه خوبی باشید بیشتر هم می رسم بهتون، به بیانیه تشکر بدید بیرون تا ثبت جهانتون کنم! فقط به چیزی؟ میشه چندتا عکسم ازم بزارین واسه مصاحبه!

- نه دیگه دکتر جان. شرمند. آخه میترسیم توهین محسوب شه!

شما هم که حساس! تا درودی دیگر بدردو دکتر!

سلام! یکی از دانشجویهای دانشگاه علوم پزشکی هستم. عرضم به خدمتتون که چند وقتیته که سرعت

اینترنت خوابگاه خیلی خیلی پاییننه. حتی باز کردن سایت گوگل هم یک ساعت زمان می بره! آخه چرا سرعت

اینترنت رو زیاد نمی کنید؟ باور کنید ما فقط کار علمی می کنیم با اینترنت!

پاسخ مسئولین:

- احتمالاً سر راه اینترنت سرعت گیر نسب کردن، جهت پیگیری به اداره ی راهنمایی و رانندگی مراجعه کنید.

- شاید پای یکی رفته رو شیلنگ اینترنت! خودتون پیگیری کنید.

- شما به گواهی کتبی بده کارت صد در صد علمیه، ما مشکلتم رو رفع می کنیم.

- احتمالاً با پای چپ میری اینترنت! ایندفعه با پای راست برو درست میشه. البته خلوص نیت هم باید داشته باشی!!!

- دوشواری نداره که! کابل اینترنت رو گره بزن بعد پهو بازش کن سرعت زیاد میشه.

- دوباره سرعت اینترنت افتاد پائین؟؟! هی میگم اینترنت رو به لی میز نزارین میفته. اینا گوش نمیدن! عجب!!!

- مطمئنی مشکل از سایت گوگل نیست؟

- باور کنید این کارا همش به خاطر خودتونه. همش میترسیم به وقت برید اینترنت گم شید!!

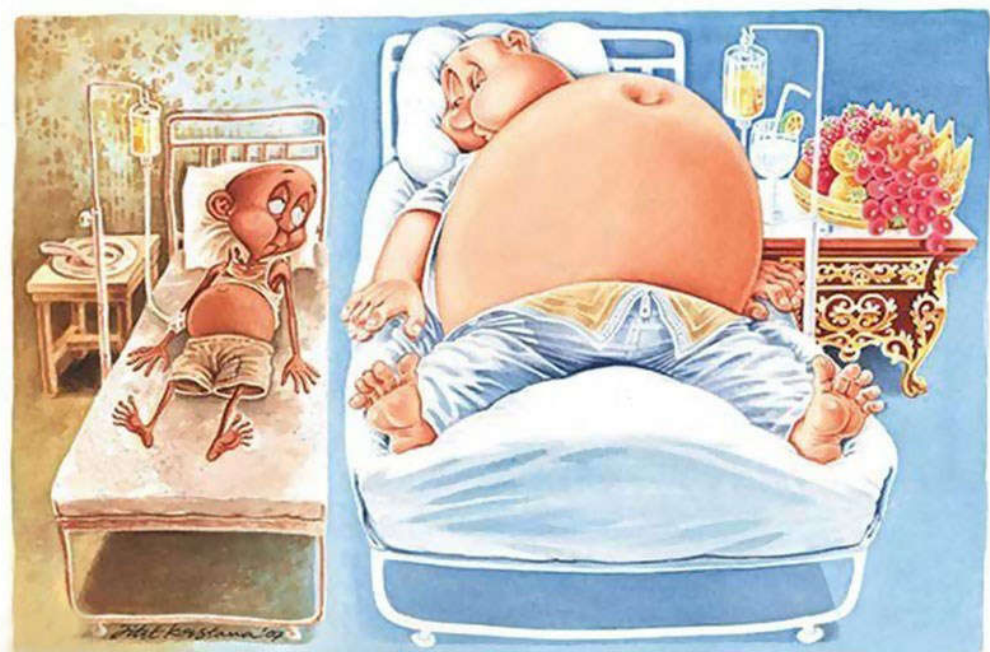


به روز نهج -----

من و آقای مبتلای زاده

محمّد بهرزی نسب – دانشجوی مهندسی بهداشت محیط

دارن... (اسم پدر و مادرش دارا و ندار بود...دیگه کدوم مادرشه، کدوم پدرش...به من چه والا...!) حالا از لباس پوشیدنش بگم...یکی از کفشاش از جنس پوست مار بود و اون یکی لنگ کفشش بی شباهت به چکمه کلاه قرمزی نبود!....نصف پیراهنش رو از خیابون شانزه لیزه پاریس خریده بود و نصف دیگه پیرهنش رو از کیسه گونی



دارم خب!).وانگهی که فرآیند تخریباسیون شخصیتی از نوع مزمن در اون آقا رخ داد ..بهش گفتم آخه عزیز دل برادر این چه طرز لباس پوشیدنه؟(مهربون نشدم... دیدم طرف داره میاد که قبل از موعد با چندتا ضربه هلیکوپتری منو یه چند روزی راهی دواخونه کنه...)، بعد گفت که تقصیر اون نیست که اینطوری لباس میپوشه... پدر و مادرش هرکدوم یکجور تیپ ظاهری رو دوست

دارن... (اسم پدر و مادرش دارا و ندار بود...دیگه کدوم مادرشه، کدوم پدرش...به من چه والا...!) حالا از لباس پوشیدنش بگم...یکی از کفشاش از جنس پوست مار بود و اون یکی لنگ کفشش بی شباهت به چکمه کلاه قرمزی نبود!....نصف پیراهنش رو از خیابون شانزه لیزه پاریس خریده بود و نصف دیگه پیرهنش رو از کیسه گونی

پشت نهج

ریحانه زنگی – دانشجوی مهندسی بهداشت



حساس...دل رحم...عجیجم... گفتم بین شکلات...آبنبات...قاصدک..بادبادک... دمپایی ابری...ببخشید...!تو باید مسئله رو ریشه ای حل کنی...با پدر و ومادرت صحبت کنی واز اونها بخوای حد میانه رو برای تو انتخاب کنن....طرفم برداشت گفت مگه دست خودمه...گفتم راست میگی باباجان...از قضا به مدت چهار دقیقه و پنج ثانیه و چهارده صدم ثانیه بهش خندیدم..(من دانشجویام...کیفم پر از هیچی...کرومتر هم دارم..!)

بعدش گفتم عیبی نداره آقا اختلاف..(اسم کوچیکش آقا اختلاف بود...تاریخ تولدش و غیره هم رو خودتون بروید بیابید)...بزرگ میشی یادت میره...دیدم داره گریه میکنه... سریع دستمال رو از داخل جیبم درآوردم و بهش دادم(دستمال قدرت کایکو جلو این باید بوق بزنه!)..از قضا فهمیدم طرف رشته میکروب شناسی میخونده و تونسته چند نوع جدید میکروب رو از روی دستمال من شناسایی کنه و حتی برای مرجع درسی،دستمالم فرستاده شده دانشگاه هاروارد خودمون....!(دستمالم با چشم غیر مسلح فقط سیاه بود...من فقط باهاش شیشه خونه رو تمیز کرده بودم!از اون موقع خیلی گذشته...من گاهی اوقات آقا اختلاف رو میبینم...حالش بد نیست...البته خوب نیست!سوژه خنده ای بود برای خودش...چهره سه درچهار این میتونست افسردگی حاد رو درمان کنه!شما تا حالا آقا اختلاف رو ندیدین.....؟!!

که نیت اکثر خانم ها در این جور روابط، امر خیره. اما آیا نیت آقایون هم امر خیره؟؟!!؟؟

این توی فضای حقیقی دانشگاه. دیگه من حرفی در مورد فضای مجازی ندارم!!

فضایی که گاهی اوقات اینقدر توش غرق می شیم که دیگه کلاً فراموش می کنیم قراره توی فضای حقیقی دوباره با این افراد روبرو بشیم.

داشتم فکر می کردم اگر در فضای حقیقی هم با افراد روبرو بشیم باز هم حالتی مثل حالت استیکرهایی که براشون ارسال می کنیم، داشتیم؟؟!!!!!!

یا کمی به عاقبت عکس های شخصی ای که واسه پروفایل می داریم دقت می کنیم؟؟

دَقّت می کنیم که یکی از کارهای شیطان، شکستن حریم های بین خانم و آقااست؟؟

خم تلف تو دام کفر و دین است
ز کارستان او (شیطان) یک شتمّ این است



هواشناسی

این روزها، هوا هوای مشروطی است. توده نمره های تک از سمت شمال شرق وارد کارنامه ی دانشجویها شده و پیش بینی می شود در بهترین حالت بارش نمره ی ده را در مرکز نمره ها داشته باشیم.

همچنین افت کم سابقه ی نمره ی درس های عمومی، هجمه ای از نگرانی ها را مبنی بر رخ دادن سونامی مردودی بوجود آورده است.

با این حساب توصیه ی اکید می گردد که دانشجویان چترهای نمره ی خود را زیر ابرهای کم باران اساتید پهن کنند تا بلکه از این وضعیت بد آب و هوایی به سلامت عبور کنند.

مالع بینج هشجیهیج (متولد کدام ماه هستید ؟)

آدمک نوستر اداموس تیبوا



فروردین: متولدین این ماه ها همیشه اویزان استادها بوده و همواره سعی می کنند جلوی چشم آن ها باشند. این دانشجویان معمولاً بعد از اتمام کلاس استاد را تا اناقش مشایعت می کنند.

اردیبهشت: بسیار حسود هستند و چشم دیدن نمره ی خوب و درخشان دوستانشان را ندارند! به خاطر نیم نمره زیرآب صمیمی ترین دوستشان را می زنند.

خرداد: معمولاً شب ها بیدار مانده و تا خروسخوان درس می خوانند. از ویژگی های بارز دانشجویهای متولد ماه خرداد جزوه های بی نظیرشان است که همیشه در زیراکس دانشکده موجود است.

تیر: متولدین تیر بسیار حساس هستند و در صورت افتادن نیم واحد افسردگی مزمن می گیرند! توصیه می شود اساتید با لطافت بیشتری با آنها برخورد کنند.

مرداد: دانشجویهای فعال سیاسی هستند و در تشکل های مختلف شرکت می کنند. همان طور که از اسم ماه تولدشان پیداست ظاهراً این دانشجویان سرشان روی تئشان زیادی می کند!
شهریور: متولدین این ماه دارای یک غرور کاذب هستند. آنها با اعتماد به نفس کامل سر جلسه ی امتحان حاضر می شوند ولی در کمال تعجب آن درس را می افتند!

مهر: از شعای یک کیلومتری آنها بوی درس و کتاب و جزوه می آید! روایت شده است که دیدن متولدین ماه مهر در صبح امتحان شگون دارد و نیز نشانه ای از پاس شدن آن درس است!

آبان: دانشجویهای بسیار جوگیری هستند و در آغاز هر ترم جدید یک شروع طوفانی دارند، ولی به محض گذشتن یکی دو هفته از شروع ترم ناگهان بادشان می خوابد!

آذر: در طول دوران دانشجویی آهسته می روند و آهسته می آیند. نه حاشیه ای، نه چیزی، انگار نه انگار که دانشجو هستند!

دی: متولد دی دانشجوی سرد و ساکنی است. یک گوشه ی کلاس نشسته و به کار خود می پردازد. معمولاً با تلفن همراهش بازی می کند یا پیامک می دهد.

بهمن: معمولاً شلوغ و پرحرف هستند و تفریح مورد علاقه ی آنها دست انداختن استادها است. هیچ استادی هرگز آرزوی داشتن چنین دانشجویانی را ندارد.

اسفند: اسفندی ها ذاتاً دانشجویهای تنبل ولی با استعدادی هستند. آنها همه ی دروس خود را شب امتحانی و به طور معجزه آسای پاس می کنند.

خانه نگانی دل

